

خالی ماندن برخی از رشته‌ها در آزمون دستیاری همچنان ادامه دارد و حتی در برخی از رشته‌ها مانند طب اورژانس به وضعیت اورژانسی رسیده‌است؛ طبق گزارش‌ها در آزمون دستیاری امسال ۱۰ درصد رشته طب اورژانس پر شده و ۹۰ درصد آن خالی مانده‌است. برخی دیگر از رشته‌های تخصص هم چندان وضعیت مناسبی ندارد، به گونه‌ای که ۲۲ درصد رشته بیپهوشی، ۲۲ درصد رشته اطفال و ۱۵ درصد رشته عفونی تکمیل شده و بقیه این ظرفیت‌ها خالی مانده‌است. تحلیل این آمارها اما حکایت از فاجعه‌ای دارد که در آینده‌ای نه چندان دور دامان نظام سلامت را می‌گیرد و حتی می‌تواند آن را زمینگیر کند!

■ ■ ■

کمبود پزشک و مدیریت توزیع عادلانه پزشک و امکانات بهداشتی درمانی موضوعی است که با زندگی در مناطق محروم و روستاهای دور افتاده بهتر می‌توان آن را درک کرد. با وجود این تا زمانی که چالش توزیع عادلانه حل و فصل نشود حتی در صورت تربیت پزشک به میزان کافی باز هم چالش مناطق دور افتاده حل نخواهد شد و همچنان ساکنان منطقه دور افتاده برای یک بغیه ساده ناگزیرند چند کیلومتر راه را تا نزدیک‌ترین مراکز درمانی طی کنند تا بتوانند به یک پزشک عمومی یا حتی بهیار دسترسی داشته‌باشند. با وجود این، نگاهی به نتایج آزمون دستیاری و کاهش قابل‌توجه اقبال به ادامه تحصیل در دوره تخصص رشته‌های کم‌درآمدتری مانند اطفال، بیپهوشی و اورژانس برای مدیریت ساختار بهداشتی درمانی کشور در سال‌های آینده چالشی جدی محسوب می‌شود و می‌تواند ما را با کمبود جدی پزشک در این تخصص‌ها که اتفاقاً تخصص‌های مادر و زیربنایی حوزه پزشکی هستند، روبه‌رو کند. پس تلاش برای افزایش تربیت پزشک در حوزه‌های تخصص به‌خصوص تخصص‌هایی مانند اطفال، اورژانس و بیپهوشی که چند سالی است ظرفیت‌های پذیرش آنها خالی می‌ماند ضرورتی انکارناپذیر است. در غیر این صورت، در آینده‌ای نزدیک حتی رشته‌های پول‌سازی مانند زیبایی، ارتوپدی و جراحی‌ها هم به دلیل فقدان متخصصان رشته‌های زیربنایی همچون بیپهوشی در کارشان با چالش مواجه خواهند شد.

■ **صندلی‌های خالی دستیاری**

چند سالی می‌شود برخی رشته‌ها در آزمون دستیاری خالی می‌ماند؛ ماجرایی که رنگ خطر را برای کمبود پزشک در برخی تخصص‌های سال‌های آینده به

آموزش و پرورش در آستانه تجربه تحولی قرار گرفته که تلاش می‌کند با فاصله گرفتن از شیوه‌های یکسان و متمرکز گذشته، مدرسه را به محیطی زنده، خلاق و متناسب با نیازهای واقعی دانش‌آموزان تبدیل کند. از مهرماه امسال و همزمان با شروع سال تحصیلی، در هشت مدرسه ابتدایی، برنامه‌ای آزمایشی آغاز می‌شود که بنا دارد تعریف گذشته‌ای برنامه درسی را تغییر دهد. در این مدل تازه، مدارس فقط مجری دستورات از بالا نخواهند بود، بلکه این‌بار خود معلمان و مدیران، بسته به شرایط محیطی، فرهنگی و تربیتی مدرسه، بخشی از برنامه آموزشی را طراحی می‌کنند. یعنی آموزش از یک قالب ثابت خارج می‌شود و بارنگ‌وبوسی مدرسه، دانش‌آموزان و جامعه محلی درمی‌آمیزد. یادگیری هم دیگر محدود به کتاب درسی نیست، ابزارهای نوین، محتوای دیجیتال، فعالیت‌های گروهی و تجربه‌محور جای خود را در کلاس باز می‌کنند تا آموزش برای نسل امروز، واقعی‌تر، ملموس‌تر و معنادارتر باشد. بدون شک اگر این مسیر با دقت، با پداری و نگاه بلندمدت دنبال شود، شاید بتوان گفت که نظام آموزشی کشور، گامی واقعی به سوی بازطراحی بنیادین برداشته‌است.

■ ■ ■

سه‌شنبه هفته گذشته، علی لطیفی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در گفت‌وگویی تلویزیونی از جزئیات برنامه‌ای گفت که مدتش نه صرفاً اصلاح محتوا، بلکه بازآفرینی نقش مدرسه در آموزش و تربیت است. به گفته او، آنچه با عنوان «طر حواره تحول در برنامه درسی» آغاز شده، یک پروژه سه‌محوره است که سعی دارد از دل ساختار سنتی آموزش، بستری نو برای یادگیری و تربیت معنادار دانش‌آموزان فراهم کند.

■ **برنامه‌ای برای بازآفرینی مدرسه**

لطیفی با اشاره به اولین محور این طرح گفت: «برای نخستین‌بار، طراحی و اجرای برنامه درسی مدرسه‌ای را در دستور کار داریم. مدلی که به مدارس اجازه می‌دهد متناسب با نیازها و ویژگی‌های محیطی خود، برنامه‌های آموزشی و تربیتی را با خلاقیت معلمان و در چارچوبی منسجم تدوین و اجرا کنند». او تأکید کرد که این تغییر، مدرسه را از یک نهاد صرفاً مجری به نهادهی مولد و فعال در تولید دانش تربیتی تبدیل خواهد کرد.

دومین رکن این تحول، عبور از کتاب به‌عنوان تنها ابزار یادگیری است. لطیفی در این رابطه توضیح داد: «کتاب درسی دیگر تنها منبع یادگیری نخواهد بود. بسته‌های یادگیری جایگزین آن می‌شوند، مجموعه‌ای از منابع متنوع مثل انیمیشن‌ها، بازی‌های آموزشی و ابزارهای تعاملی که متناسب با نیازهای امروز دانش‌آموزان طراحی شده‌اند». او این رویکرد را پاسخی به تغییرات نسلی و تحول در شیوه‌های

صدا درآورده‌است. طبق آمار سازمان نظام پزشکی در حال حاضر ۱۰۴ هزار و ۳۴۵ پزشک عمومی در کشور داریم که بیش از ۳۰ هزار نفر از این افراد به کاری غیر از پزشکی مشغول هستند؛ یعنی نه در شبکه بهداشت مشغول شده‌اند و نه در مطب کار می‌کنند. از نگاه محمد رئیس‌زاده، رئیس سازمان نظام پزشکی با این اوصاف اگر تعداد این پزشکان عمومی افزایش پیدا کند، نه مشکل پزشکی خانواده و نظام ارجاع حل شده و نه مشکل دسترسی به پزشک متخصص حل خواهد شد.

از نگاه وی در این شرایط، این سؤال پیش آمده که چرا تأکید فراوانی بر افزایش ظرفیت رشته پزشکی عمومی می‌شود، اما توجهی به خالی ماندن ظرفیت رشته‌های دستیاری مانند طب اورژانس، بیپهوشی، اطفال و عفونی نمی‌شود.

رئیس کل سازمان نظام پزشکی درباره خالی ماندن برخی رشته‌های دستیاری با اشاره به آمارها و گزارش‌های مرتبط با آزمون دستیاری امسال

معمای صندلی‌های خالی تخصص

در آزمون دستیاری امسال ۹۰ درصد از تخصص اورژانس و ۸۵ درصد از رشته عفونی خالی مانده‌است



می‌گوید: «آزمون دستیاری که در سال جاری برگزار شد، آمارهای نگران‌کننده‌ای را نشان می‌دهد. به طور مثال فقط ۱۰ درصد رشته طب اورژانس، ۳۲ درصد رشته بیپهوشی، ۲۲ درصد رشته اطفال و ۱۵ درصد رشته عفونی تکمیل شده و بقیه این ظرفیت‌ها خالی مانده‌است.»

■ **ابرحران خالی ماندن ظرفیت رشته‌های حیاتی**

رئیس سازمان نظام پزشکی معتقد است وقتی گفته می‌شود «۹۰ درصد رشته طب اورژانس خالی مانده، یک ابر بحران است». باید این مشکلات برطرف شود؛ چرا خالی ماندن ظرفیت دستیاری جدی گرفته نمی‌شود؟ در آینده باید صدها برابر چیزی را که اکنون می‌توان هزینه کرد، بپردازیم تا کمبودها را جبران کنیم. وقتی به جای ۶۵۰ رزیدنت اطفال، فقط ۲۵۰ نفر شروع به تحصیل می‌کنند، کمبود این ۴۰۰ متخصص اطفال را چگونه جبران خواهیم کرد؟

با وجود این، رئیس‌زاده در پاسخ به این سؤال که آیا

افزایش ظرفیت پزشکی می‌تواند مشکل دسترسی به متخصصان را برطرف کند، تصریح می‌کند: «در چهار سال گذشته، هزار و ۲۰۰ نفر کمبود ورودی به رشته بیپهوشی داشتیم؛ کمبود تخصص بیپهوشی با اطفال از کجا باید جبران شود؟ اگر قرار باشد افزایش ظرفیت پزشک عمومی منجر به ورود آن فرد به دوره تخصص شود، حدود ۱۴ سال زمان نیاز است؛ آیا مشکل حال حاضر بیماران در زمینه دسترسی و کمبود پزشک

متخصص را حل می‌کند؟» وی با تأکید بر اینکه چند سال دیگر، متخصص بیپهوشی و اطفال نخواهیم داشت و اگر یک کودک دچار تشنج شود و یک متخصص اطفال حضور نداشته باشد که آن کودک را درمان کند و او دچار عوارض جدی شود، چه کسانی پاسخگو خواهند بود، می‌گوید: «چرا نباید شرایط تربیت رزیدنت‌ها را بهتر کرد تا پزشکان جامعه به آنها را با چالش مواجه کرده و ادامه تخصصی شوند؟»

رئیس سازمان نظام پزشکی چالش اصلی را در

توزیع پزشکان متخصص می‌داند و می‌افزاید: «در یکی از رشته‌های تخصصی بسیار مهم، از هزار و ۱۱۰ متخصص، بیش از ۶۰۰ نفر در تهران حضور دارند. در سایر رشته‌ها نیز به همین ترتیب است. ۴۲ درصد متخصصان در پنج کلانشهر حضور دارند و بقیه در سایر نقاط کشور هستند. در یک رشته تخصصی دیگر، ۶۰ درصد متخصصان در تهران حضور دارند.»

رئیس‌زاده معتقد است دلیل این توزیع نامتقارن این است که توانستیم شرایط ماندگاری پزشکان متخصص را در شهرستان‌ها فراهم کنیم و وقتی طرح تخصص به اتمام رسیده، به تهران بر می‌گردد. عامل دیگر، فقدان حساسیت مسئولان کشور به موضوع کمبود متخصص است و فقط به افزایش ظرفیت پزشک عمومی پرداخته می‌شود. اگر مسئولان به این موضوع توجه نکنند، تأمین پزشک متخصص در آینده با چالش جدی مواجه خواهد شد.

■ **معمای پیچیده**

معمای خالی ماندن ظرفیت‌های آزمون دستیاری معمای پیچیده‌ای است. این پزشکی که امروز حاضر نیستند در برخی رشته‌ها ثبت‌نام کنند و ادامه تحصیل بدهند، همان کسانی هستند که هفت سال قبل برای ورود به رشته پزشکی و شرکت در آزمون گروه تجربی سر و دست می‌شکستند. سختی‌های دوره دستیاری، رفتار پادگانی برخی اساتید، حقوق ناچیز دستیاران و شیفت‌های طولانی و طاق‌تفرس‌پاشی از دلایل بی‌اقبالی به ادامه تحصیل در این دوره است. به خصوص اینکه فضای فرهنگی جامعه به گونه‌ای پیش رفته که پزشکان دیگر کمتر به تعهدات اخلاقی خود در برابر بیماران و جامعه پایبندند و بیشتر به دنبال منافع شخصی و درآمد هستند. به همین خاطر هم در همین دوره‌ای که ادامه تحصیل در رشته‌هایی همچون اطفال، بیپهوشی و اورژانس از رونق افتاده، رشته‌هایی همچون پوست و زیبایی، چشم‌پزشکی و ارتوپدی همچنان پر طرفدار است. با تمام اینها تا دیر نشده برنامه ریزان و دست‌اندرکاران در وزارت بهداشت و مجلس و سایر مراکز دخیل باید کاری کنند. سالی چند صد نفر خالی ماندن ظرفیت تخصص اطفال، بیپهوشی و اورژانس و عفونی می‌تواند در درازمدت به کمبود چند هزار پزشک متخصص در این رشته‌ها منتهی شود. رشته‌هایی که همین حالا هم توزیع نامناسب‌شان دسترسی جامعه به آنها را با چالش مواجه کرده و ادامه این روند و کمبود این تخصص‌ها قطعاً بیش از پیش روی توزیع‌شان اثر خواهد گذاشت.

پدیده شهرت در روزگار ما، دیگر زاینده فرهیختگی، دانش، هنرمندی و دستاوردهای پایدار نیست؛ امروز شهرت بیش از هر زمان دیگری، محصول لحظه‌ها و رسانه‌هاست؛ لحظه‌هایی کوتاه و رسانه‌هایی وسیع. ماجرای اخیر فردی که با عنوان «استاد» از شمال کشور به سمت استان فارس و مقبره منسوب به کوروش به راه افتاد و خیلی زود در شبکه‌های اجتماعی مورد استقبال قرار گرفت، نمونه روشنی از همین وضعیت است.

او با تقلیدی خام از سنت عمیق پیاده‌روی نظیر پیاده‌روی‌های دینی، کوشید برای خود سرمایه‌ای نمادین فراهم آورد؛ سرمایه‌ای که در تعبیر پی‌پی‌بروردیو، نه حاصل کار و اندیشه، بلکه محصول بهره‌داری نمایشی از حساسیت‌های اجتماعی است. جامعه نیز که در معرض بمباران رسانه‌ای قرار دارد، بی‌آنکه مجال تأمل بیاورد، برای چند روزی او را بر صدر توجهات و نگاه‌ها نشاند، اما همین که «استاد» زبان به سخن گشود و کم‌مایگی و سطحی‌بودن اندیشه‌هایش عیان شد، سرمایه نمادینش به‌ناگاه فرو ریخت و به‌زودی توسط همان‌ها که او را به شهرت رسانده‌بودند، تمسخر، رها و فراموش شد؛ تا جایی که به ناچار از میانه راه به خانه برگشت.

او نه دانش و اطلاع صحیحی از تاریخ باستان داشت و نه اشرافی به مقصد و مسیر خود. صرفاً با طمن و کنایه به پیاده‌روی ارمنین، تکرار دائم جملات کلیشه‌ای و وعده ساخت مجسمه‌های صدمتری از اساطیر ایرانی چند روزی بر حاشیه‌قدم قدم برمیداشت. اینجاست که باید به تحلیل زیگمونت بامان درباره «مدرنیت سیال» بازگردیم؛ در جهان سیال، هیچ هویت و اعتباری استحکام نمی‌یابد؛ هر پدیده‌ای با همان شتابی که پدید می‌آید، فرو می‌پاشد.

شهرت امروز گاهی به معنای تثبیت جایگاه نیست، بلکه لحظه‌ای گذراست. اندی وار هول، هنرمند پاپ، به‌درستی پیش‌بینی کرده‌بود: «در آینده، هر کسی برای ۱۵ دقیقه مشهور جهانی خواهد بود.» شهرت آن «استاد» نیز از همان سنخ بود؛ ۱۵ دقیقه‌ای که چند روز بیشتر دوام نیاورد.

این فراز و فرود کوتاه و طلوع و غروب زودگذر، گواه همان کلام علوی است که فرمود: «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا بِغَيْرِ حَقٍّ لَمْ يَدْرْهُ»، هر کس چیزی را از غیر راه حق بجوید، بدان دست نخواهد یافت. طبعاً کم‌مایگان و کم‌دانشانی که داعیه اقامه و احیای تاریخ باستان ایران عزیز را داشته باشند بی‌آنکه اشراف و اطلاعی از زوایای آن داشته‌باشند، مدت طولانی در حافله جمع می‌روند باقی نخواهند ماند. وقتی هدف، صرفاً بر مبنای کسب شهرت و افتادن بر سر افواه مردم و اکتسپورهای فضای مجازی باشد، دانش اسیر همین امیال کوچک و زودگذر و سطحی خواهد شد. امیرالمؤمنین در فرازی فرمودند: «كَمْ مِنْ عَقْلٍ اسِيرَ تَحْتِ هَوًى أَمِيرٍ؛ چه بسیار عقل‌هایی که اسیر امیالند. این چنین است که عقل معاش فردی، در بند تمناى شهرت گرفتار می‌شود و به زودی از وصول به مقصد باز می‌ماند.

این ماجرا، اگر چه در ظاهر حکایت یک فرد است، اما در حقیقت این‌هاى برای جامعه است. نشان می‌دهد که چگونه ذائقه عمومی می‌تواند به سطحی‌نگری و موج‌سواری تقلیل یابد و چگونه سرمایه‌فرهنگی واقعی، جای خود را به «سرمایه فوری» و «شهرت لحظه‌ای» می‌دهد.

حضرت در کلامی عمیق و مشهور جامعه را به سه قسم دانشمندان، دانشجویان و پشاهای سر درگمی که با هر باور سطحی به سویی متقابل و متوجه می‌شوند. در چنین فضایی، تنها راه‌هایی، بازگشت جامعه به ارزش‌های اصیل است؛ ارزش‌هایی که دوام و عمق و ماندگاری دارند، نه مانند کف روی آب، که نمایش و جلوه‌گری کوتاهی دارد و به زودی از بین می‌رود و فراموش می‌شود!

ورود ۲۶۱ اتوبوس جدید

واستقرار تاکسی‌های گردش‌ای از اول مهر

معاون حمل و نقل شهرداری تهران با تشریح تمهیدات حمل و نقلی شهرداری تهران برای آغاز سال تحصیلی جدید از ورود ۲۶۱ دستگاه اتوبوس جدید همزمان با سال مهرماه خبر داد. محسن هرمزی، معاون حمل و نقل شهرداری تهران با اعلام آمادگی معاونت حمل و نقل برای پوشش سال تحصیلی جدید با بیان اینکه از چندماه قبل سئادت استقلال از مهر برای آمادگی ناوگان حمل و نقل عمومی در سطح مناطق برگزار شده است، گفت: برنامه‌ریزی دقیقی برای پوشش هر چه بهتر سفرهای آموزشی که با شروع مهرماه آغاز می‌شود، انجام داده‌ایم؛ چراکه براساس آمارهای موجود حدود ۲۰ درصد به ترافیک‌شهر تهران با شروع سال تحصیلی جدید اضافه می‌شود.

وی با تشریح برنامه‌های این معاونت برای پوشش هرچه بهتر حمل و نقل عمومی در مهرماه به تقویت متروی تهران اشاره کرد و گفت: در موضوع نگهداری، بازسازی و اورهال ناوگان متحرک سعی کرده‌ایم با همین ظرفیت، با سرفاصله ۵ دقیقه در هر برای آمادگی ناوگان حمل و نقل عمومی مترو با سرفاصله حرکت حدود ۱۲ دقیقه به مسافران خدمت‌رسانی کنیم. هرمزی با بیان اینکه قطار پشتیبانی هم پیش‌بینی شده اگر نیاز باشد، در زمان پیک‌های این قطار را وارد خطوط سرویس‌دهی می‌کنیم. اظهار کرد: بر اساس مصوبه شورای باهر شهر تهران فرهنگ سال‌های گذشته به دانشجوین و دانش آموزان در هفته اول به صورت رایگان خدمت‌رسانی می‌شود؛ این مسافران در تمام ایستگاه‌ها می‌توانند با خوداظهاری رایگان از گیت‌ها عبور کنند. وی با بیان اینکه شروع حرکت قطار متناسب با اطلاعات‌های دولت است و طبق آخرین اطلاعیه‌است حرکت قطارها ۸:۳۰ و به محض اینکه دولت این زمان را تغییر دهد حرکت قطارها را به ساعت ۵:۳۰ دقیقه تغییر می‌دهیم، در مورد آخرین وضعیت اتوبوسرانی برای آغاز سال تحصیلی جدید گفت: بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته همه مناطق اتوبوسرانی پایتخت موظفند، مراکز آموزشی، مدارس و دانشگاه‌های موجود در محدوده فعالیت خود را شناسایی کرده و با تقویت خطوط عبوری از این مراکز، شرایط تردد را آسان‌تر دانش‌آموزان و دانشجویان را فراهم کنند.

هرمزی با تأکید بر اینکه سامانه امداد و سامانه جانپازان و معلولان هم‌اکنون در آمادگی عمل و بازگشایی مراکز علمی قرار دارند، اظهار کرد: همزمان با آغاز سال تحصیلی ۲۶۱ دستگاه اتوبوس جدید وارد ناوگان می‌شود. وی از انجام تعمیرات اساسی در ناوگان اتوبوسرانی پایتخت خبر داد و ادامه داد: در ماه‌های اخیر بازسازی داخلی و بیرونی اتوبوس‌ها، تعمیر موتور اتوبوس‌های پایتخت موظفند، مراکز آموزشی، مدارس و دانشگاه‌های موجود کامل اتوبوس‌های فعال در خطوط تندرو و نوسازی کارت‌خوان‌ها در دستور کار قرار گرفته‌است. همچنین بازسازی و نوسازی ایستگاه‌ها در مسیر خطوط تغذیای با همکاری مناطق شهرداری تهران، اورهال ناوگان بخش خصوصی و تقویت ناوگان پشتیبانی نیز در حال انجام است.

معاون شهردار تهران در مورد وضعیت تاکسیرانی نیز گفت: با شروع سال تحصیلی اقدامات نظارتی برای نظارت بر تاکسی‌های به‌خصوص تاکسی‌های گردش‌ی انجام شده‌است و نظارت‌های خودرویی نیز در تمام پایانه‌ها و خطوط تاکسیرانی از ابتدای مهر ماه تداوم خواهد شد. همچنین خطوط پرتقاضا در تهران تقویت می‌شود و این تمهیدات را به‌خصوص در ساعات پیک ترافیک برای اعزام بخشی از تاکسی‌های گردش‌ی به خطوط پرتقاضا در دستور کار قرار خواهیم داد تا شاهد کاهش معطلی مسافران باشیم.

■ **مهر استا با واقعیت امروز کودکان**

اگر برنامه درسی جدید قرار است ساختار آموزش را متحول کند، باید فلسفه مدرسه نیز با آن هم‌راستا شود. از نگاه رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، مدرسه دیگر نمی‌تواند با تعریف‌های گذشته به حیات خود ادامه دهد، چرا که دانش‌آموزان امروز، ساکنان دنیای دیجیتالند و نیازمند آموزش‌هایی چندساختی، منعطف و متناسب با زندگی فردا.

او این اقدام را یکی از کم‌سابقه‌ترین و ارزشمندترین اصلاحات نظام آموزشی در دهه‌های اخیر توصیف می‌کند. به باور او، همین که این تحول نه با تصمیمات ناگهانی، بلکه به صورت آزمایشی و مرحله‌ای اجرا می‌شود، خود نشان‌دهنده تغییر رویکرد سیاست‌گذاران به سمت واقع‌بینی، مشارکت‌گرایی و اصلاح پایدار است.

حکیم‌زاده با تأکید بر اینکه «دانش‌آموزان امروز، بومیان عصر دیجیتالند»، معتقد است که دیگر نمی‌توان با روش‌ها و منابع سنتی به نیازهای آموزشی آنها پاسخ داد. فناوری‌های نوین، هوش مصنوعی و محتوای دیجیتال بخش جدانشدنی از زندگی کودکان ما هستند و مدرسه اگر با این واقعیت هم‌راستا نشود، عقب می‌ماند.

از نگاه او، مدرسه باید فراتر از محل انتقال صرف مفاهیم علمی دیده شود، بلکه به‌عنوان فضایی برای رشد اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و مهارت‌ی دانش‌آموزان تعریف شود. به همین دلیل، بسته‌های یادگیری جدید نیز بر پایه رویکردهای تلفیقی و چندساختی طراحی شده‌اند تا از آموزش تک‌بعدی عبور کنیم. حکیم‌زاده با بیان اینکه کتاب‌های درسی دیگر تنها منبع یادگیری نیستند، توضیح داد که به بسته جدید، فعالیت‌های گروهی، ابزارهای دیجیتال، بسته‌های مهارتی و یادگیری مبتنی بر تجربه به اندازه کتاب اهمیت دارند. این تنوع، فرصت یادگیری را برای طیف گسترده‌ای از دانش‌آموزان قابل‌دسترس‌تر و معنادارتر می‌سازد. او خطاب به معلمان و مدیران مدارس، مسئولیت آنها را فراتر از نقش‌های اجرایی معمول توصیف کرد: «شما معلم پژوهشگر، خلاق و یادگیرنده‌اید. مدیر مدرسه، تسهیل‌گر تغییر است؛ نه صرفاً ناظر بر اجرا. اعتماد به خلاقیت معلمان و نقش حمایتی مدیران، رمز موفقیت این طرح است.» به اعتقاد حکیم‌زاده، این تحول فوری و زودبازده نخواهد بود، اما اگر با پشتکار دنبال شود، می‌تواند در یک افق ۱۰ ساله، آموزش و پرورش ایران را دچار دگرگونی عمیق و نسلی آینده را برای زیستن مؤثر در دنیای پیچیده و فناوری‌محور فردا آماده کند.

به گزارش «جوان»، اجرای آزمایشی برنامه درسی مدرسه‌ای اگر چه در گام نخست محدود به چند مدرسه ابتدایی است، اما آنچه در پس این تجربه جریان دارد، تلاشی برای بازتعریف نقش مدرسه، معلم و یادگیری در قرن جدید است. بدون شک آینده آموزش و پرورش در گرو همین تجربه‌های کوچک اما سازنده و بنیادین است.



انتقال محتوا، به ابعاد مختلف وجودی دانش‌آموزان توجه کند؛ از ساحت‌های اخلاقی، اجتماعی و زیستی گرفته تا مهارت‌های زندگی و شایستگی‌های فردی. به گفته او، تحقق این هدف نیازمند یک برنامه درسی جامع و منعطف است که مدرسه بتواند بر اساس شرایط خود آن را تدوین و اجرا کند. این مقام مسئول، فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدرسه را به چند دسته اصلی تقسیم می‌کند: برنامه‌های مهارتی، رویدادهای تربیتی، فعالیت‌های سلامت‌محور، برنامه‌های ورزشی و اقدامات متناسب با اقتضائات محیطی. این دسته‌بندی به گفته باقریان، نه صرفاً برای نظم‌دهی، بلکه برای آن است که مدارس بتوانند برنامه‌ای هدفمند، ساختارمند و قابل ارزیابی برای دانش‌آموزان تدارک ببینند. او معتقد است: «مدرسه زمانی می‌تواند به رسالت واقعی خود برسد که صرفاً مصرف‌کننده محتوای آموزشی نباشد، بلکه بتواند بر اساس شناخت محیط، اولویت‌ها و توانمندی‌هایش، برنامه‌هایی عملیاتی برای تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان ارائه دهد.»

از نگاه باقریان، رویکرد نوین برنامه‌ریزی درسی باید نه‌تنها به محتوای آموزشی، بلکه به چگونگی آموزش و نوع فعالیت‌ها در زندگی روزمره مدرسه نیز توجه داشته باشد. او بر این باور است که اگر مدارس در چارچوبی مشخص، اما منعطف، اختیار طراحی و اجرای این فعالیت‌ها را داشته باشند، می‌توان به مدرسه‌ای امیدوار بود که هم با محیطش هماهنگ است و هم با آینده دانش‌آموزان.



باقریان بار این نکته اشاره می‌کند که مدرسه باید به جای تمرکز صرف بر